



۲۰۱۹/۰۸/۱۸

ملالی موسی نظام

به افتخار صدومین سال استقلال افغانستان و محصل بزرگوار آن



در صدومین سالگرد استرداد استقلال افغانستان عزیز درود و دعا بر روح پر فتوح آن جانبازان وطن و حامی وطنپرست شان میفرستیم که جوهر آزادی سرزمین خویش را تقدیم نسل های بعدی و خلف خود ها نمودند. درین برهه مهم تاریخ وطن که مملکت به جویی از خون و طوفانی از آتش مبدل گردیده و آوازه صلحی که ملت مظلوم افغان دهه هاست که چشم براه آن دارد، از باور به دور شنیده میشود. باشد که نسیم واقعی صلح و سلم را روحیه آزادی به آرمغان آورد آمین!

به پیشباز چنین رویداد ملی گرانبها، با ممنونیت از هموطن ملیگرا، داکتر نور احمد خالدی، مختصری از مقدمه مضمون ارزشمند ایشان را که در زمینه علل بزرگداشت از صدومین سالگرد آزادی افغانستان در این وبسایت تحریر داشته اند، برای سر آغاز پیشکش میدارم:

(۲۸) اسد سمبول ناسیونالیزم یک قوم نیست، سمبول وحدت ملی و پیروزی یک ملت است، در دفاع از وطن مشترک. سمبول ناسیونالیزم ملت افغانستان است. صرف نظر از اختلافات طبیعی، سیاسی و سلیقوی و محلی، تجلیل از استقلال افغانستان، تجلیل از روز ملی افغانستان واحد و وحدت مردم آنست در زیر یک بیرق ملی. احترام به استقلال ملی، احترام به تمامیت ارضی، احترام به قانون اساسی و احترام به بیرق ملی، از وجایب هر تبعه افغانستان است. هرگاه ما با استفاده از نعمت دموکراسی تضمین شده در قانون اساسی حقوق مساوی را برای هر فرد این کشور تقاضا داریم در عین زمان نمیتوانیم وجایب خود را در برابر این قانون اساسی در

احترام به استقلال کشور، در احترام به قانون اساسی کشور، احترام به ملت افغانستان، و احترام به بیرق ملی کشور نادیده بگیریم!

اعلام مدیرانۀ حریت افغانستان عزیز توسط اعلیحضرت «غازی شاه امان الله» با عزم راسخ آزادی خواهی، استقلال داخلی و خارجی مملکت بعد از کنفرانس سمله در ۱۸ اگست سال ۱۹۱۹ میلادی - ۲۸ اسد ۱۲۹۸ هجری شمسی، درحالی صورت گرفت که بیشمار ممالک جهان در تحت سلطۀ قدرت امپراطوری برتانیای کبیر و یوغ استعمار آن قرار داشتند. این حرکت ملی، افغانستان را نه تنها در جهان وقار و حیثیت استثنائی بخشید بلکه در بین همسایگان و ممالکی که استعمار حاکمیت ملی شانرا پامال نموده بود، انگیزه ای برای ایجاد جنبش های آزادی خواهی گردید .

معاهده آتش بس بین دولت افغانستان و دولت برتانیه که به تاریخ ۸ اگست ۱۹۱۹ صورت گرفته بود و به نام معاهده راولپندی معروف است، در حقیقت نه تنها به جنگ سوم افغان و انگلیس خاتمه داد، بلکه بر استعمار ۱۲۳ ساله انگلیس بر خاک افغانستان نقطه پایان گذاشت.

In Commemoration of 100 Years of Independence



*Afghanistan Arch of Triumph, Built in 1919
Courtesy of Window of Peace 2019*

تابلوی زیبایی طاق ظفر که با حصول استقلال افغانستان به امر اعلیحضرت شاه امان الله بناء یافت این اثر زیبا کار هنرمند، شاعر و محقق توانای افغان محترم حامد نوید است که به مناسبت صدومین سالگرد استقلال کشور ترسیم و به وبسایت آریانا افغانستان اهداء گردیده است.

افغانستان آزاد و غیر منسلک و ملت شریف آن، تا وقوع کودتای منحوس ثور و هجوم عسکر سرخ، از نعمت والای آزاده گی هر سال برای بزرگداشت از استقلال خویش با شادی و غرور و آزادگی استقبال مینمود و برای مردم خویش جشن و خوشی در همه ولایات کشور برپا میکرد. برای روشن ساختن حالت افغانستان قبل از عصر شاه امان الله، کمی به عقب رفته بر حوادث و رویداد های آن نظر مختصری می اندازیم:

بعد از تحمیل و امضای معاهده گندمک در عصر امیر محمد یعقوب خان در ۲۸ می ۱۸۷۹ شرایط جدیدی در احوال افغانستان و مناسبات با انگلیس ها که بر هند برتانوی تسلط داشتند، پیش آمد که همانا قبولی سفیر انگلیس در دربار امیر افغانستان بود و مهمتر از آن هر ارتباط دولت افغانستان با خارج باید از طریق مشوره با سفیر مذکور صورت می گرفت و انگلیس ها یک مستمری سالانه به دولت میپرداختند. با اینکه دولت برتانیه سر لویی کیوناری را برای اوامر و تصمیم گیری ها مقرر نمودند ولی اغتشاشات بر علیه انگلیس ها پایان نیافت که در اثر آن کیوناری به قتل رسید و امیر محمد یعقوب خان هم با کناره گیری به هند تبعید میگردد.

با پذیرفتن امیر عبدالرحمن خان به امارت افغانستان در سال ۱۸۸۰ میلادی که در تبعید بخارا بسر میبرد و تجارب تلخ خود، انگلیس ها دیگر سفیری به کابل ارسال نداشتند و برای ۳۹ سال آینده در حالیکه امور خارجی افغانستان تحت نظارت آنان صورت میگرفت، در امور داخلی مداخله نمی نمودند. این درحالیست که انگلیس ها شکست سختی در جنگ میوند خورده و عساکر خود را از افغانستان بیرون می نمایند. بدین قرار تا ۸ اگست ۱۹۱۹ افغانستان در یک حالت تحت الحمایگی قرار داشت؛ درحالیکه در جنگ های اول و دوم، انگلیس ها کاملاً به شکست مواجه گردیدند. همان بود که با قدرتمندی امیر امان الله خان که در سال ۱۹۱۹ بعد از فوت پدر زمام امور را بدست گرفت اولین اقدام وی حصول استقلال داخلی و خارجی مملکتش از حیطة اولیای امور دولت مستعمراتی انگلستان بود.

بنابر آن این شاه جوان و متهور در اولین فرصت بعد از اعلام سلطنت، به مردم افغانستان وعده استقلال و آزادی کامل افغانستان عزیز را داد و با تجلیل از روحیه والای آزادی، طور نمونه به مطالعه بیانات این رهبر وطن پرست که خطاب به مردم کابل در زمینه آمادگی برای کسب استقلال و تشویق هموطنان وی است، می پردازیم:

(اولتر از همه به رعایای صدیق ملت نجیبه خود این اعلان را بشارت میدهم که من تاج سلطنت افغانیه را بنام استقلال و حاکمیت داخلی و خارجی افغانستان بسر نهاده ام. ملت عزیز من! من این لباس سربازی را از تن بیرون نمیکنم تا که لباس استقلال را برای وطنم تهیه ننمایم. من این شمشیر را در غلاف نمی کنم تا غاصبان حقوق ملت را به جای شان ننشانم. ای ملت عزیز و ای سربازان فداکار من، بیایید تا که سر های پر غیرت خود را برای نجات وطن فدا سازیم).

بار دیگر، به تاریخ ۱۳ اپریل سال ۱۹۱۹ قبل از اعلام رسمی استقلال افغانستان به تاریخ ۱۸ اگست، اعلیحضرت بازم حضور ملت ایراد فرمودند: (من خودم و مملکت را از لحاظ داخلی و خارجی کاملاً آزاد و مستقل اعلام نمودم، بعد ازین، کشور ما مانند سائر دول و قدرت های جهان، آزاد است و به هیچ قدرتی به اندازه یک سر موی اجاز داده نمیشود که در امور داخلی و خارجی افغانستان مداخله نمایند و اگر کسی به چنین امری اقدام نماید، گردنش را با این شمشیر خواهم زد) و سپس از «نجف علی» سفیر انگلیس که در مجلس حضور داشت پرسیدند: "آنچه گفتیم فهمیدی؟" سفیر جواب داد که: "بلی صاحب".

جای مسرت استکه بعد از عمری امروز در مطبوعات افغانی و رادیو تلویزیون های جهانی ای که از افغانستان پخش می گردد، بیانات فوق متصل و متواتر به هردو لسان رسمی کشور، به دید هموطنان قرار میگیرد و مردم افغانستان از پیر و جوان از چنین رویداد های افتخار آمیزی مطلع میگردند.

بدون شک آنچه را اعلیحضرت غازی در ۱۰ سال کوتاه زمامداری خویش در راه آبادانی، انکشاف صنایع، معارف، صحیه، حقوق و وجایب اتباع زن و مرد افغان، قوانین ازدواج و حتی تخنیک و نو سازی زیر بنای های انکشافی اساسی به میان آورد، همه نمونه و رهنمون اقدامات بعدی گردیده و همه قابل یاد آوری و تحسین است، مثلاً دستگاه رادیو و مخابرات؛ درحالیکه مردم کشور و نسل های بعدی حتی تا بیشتر از نیم قرن از آنچه آن شاه مترقی و افغانستان دوست و خانواده اش در راه رفاه و پیشرفت این سرزمین به عمل آوردند، دور قرار گرفتند و حتی اولاد معارف از آن رویداد های مترقی و آن دوره شگوفان غافل گردیده، نه دانستند که چه نو آوری های اجتماعی، تخنیکی و اصلاحی استوار بر دیموکراسی، در عرصه ۱۰ سال سلطنت یک شاه ترقیخواه صورت گرفت و در مورد حقوق مدنی، حقوق زنان و مردان چه تغییراتی به عمل آمد و از همه مهمتر حتی از تفصیل و نحوه مبارزه آزادی خواهی آن رهبر واقعی، تاریخ مملکت چیزی را بیان نمی نمود و از قانون اساسی ۱۹۲۳ و مواد مترقی آن حتی محصلین حقوق اطلاعی نداشتند.

در نهایت تاریخ را میتوان پرده کشید ولی نمیتوان حذف و نابود نمود، همانطور که وابستگی و ارتباط کودتای ۲۶ سرطان منحصیث یک مرحله گزرا و بستگی مستقیم آن از طریق جذب وطن فروشان پرچم منحصیث مقدمه کودتای خونین ثور، با استناد و استدلال علنی آشکار شد، همانطور هم تفصیل و استناد مجادلات آزادی خواهی شاه امان الله غازی و مجاهدین و سر سپردگان راه استقلال در مبارزه علیه دولت استعماری برتانیه تا ابد در فراموشخانه تاریخ باقی نمانده و جزئی از رویداد های واقعی افغانستان عزیز گردید.



در خاتمه به روح پرفتوح همه مبارزین راه استقلال و تمامیت ارضی افغانستان عزیز که سر های شانرا با رشادت در را خدمت و جانبازی برای حصول و حفظ استقلال افغانستان عزیز قربان نموده اند جهانی از درود و تهنیت میفرستیم. آمین!

پایان